

**Compensation for natural disasters based on collective civil liability**

**(Analytical review of the law establishing the public natural disaster insurance fund, approved in 1399)**

**Abstract**

Natural disasters are harmful. The result is that it puts many people in a catastrophic situation. Because of limited resources, the government cannot be responsible for all damages; therefore, its intervention is more of a restorative nature than the payment of financial damage. Given that there has been a vast and rapid change in the political and legal views, economics, and technology of societies, as well as the variety of claimable damages, the traditional civil liability cannot be responsible for such damages, and the solution is to distribute the compensation costs for such damages in the community. In fact, by accepting collective responsibility and creating an appropriate mechanism, it is possible to make the insurance industry responsible to compensate for these damages. The law for establishing the Public Natural Insurance Fund approved on 1399/8/5 was inspired by this theory and it is considered a developed law in this regard. However, since its focus was on residential and under certain conditions non-residential houses and it neglected the real estate and bodily damages, and in addition, its insurance mechanism faced serious problems. It seems that the law needs to be amended and supplemented to cover both individuals such as employees, merchants, hoteliers, and tenants, and to also cover other damages such as bodily ones.

**Keywords:** Natural disasters, Insurance, Collective Civil Liability, Damage

## جبران خسارت حوادث طبیعی بر مبنای مسئولیت مدنی جمعی

(بررسی تحلیلی قانون تأسیس صندوق بیمه همگانی حوادث طبیعی مصوب ۱۳۹۹/۸/۵)

حسین ملکی زاده<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳/۱۱/۱۴۰۰

علی ناصحی<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۷/۶/۱۴۰۱

### چکیده

حوادث طبیعی زیانبار است. خسارت ناشی از آن چنان است که عده زیادی از مردم را در وضعیت فاجعه آمیز قرار می دهد. دولت، به علت محدودیت منابع، نمی تواند پاسخگوی همه خسارات باشد و آن را جبران کند و مداخله او بیشتر ماهیت ترمیمی دارد تا پرداخت خسارت. با لحاظ پیشرفت های وسیع و سریع در افکار سیاسی و حقوقی جوامع و نیز در اقتصاد و فناوری؛ و با توجه به تنوع خسارت های قابل مطالبه، ارکان مسئولیت مدنی سنتی هم نمی تواند پاسخگوی اینگونه خسارات باشد و چاره در آن است که هزینه های پرداخت خسارت زیان دیدگان این حوادث، در جامعه توزیع شود. در واقع با پذیرش مسئولیت جمعی و ایجاد سازوکار مناسب، می توان پای صنعت بیمه را به منظور جبران خسارت به میان آورد. قانون تأسیس صندوق بیمه همگانی حوادث طبیعی مصوب ۱۳۹۹/۸/۵ از این نظریه الهام گرفته است و در نوع خود قانونی مترقی محسوب می شود، اما چون تمرکز آن بر واحدهای مسکونی و تحت شرایطی، غیرمسکونی بوده و از پوشش اموال منقول و خسارت های جانی غفلت کرده و بعلاوه سازوکار بیمه گذاری آن با اشکالات جدی مواجه است؛ به نظر می رسد لازم است قانون اصلاح و تکمیل شود تا هم اشخاصی مانند کارمندان، بازرگانان، هتل داران و مستأجران را در برگرد و هم خسارت های دیگر مثل خسارت بدنی را تحت پوشش قرار دهد.

**کلید واژگان:** حوادث طبیعی، بیمه، مسئولیت مدنی جمعی، خسارات

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، گروه حقوق، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

<sup>۲</sup> استادیار دانشگاه پیام نور

## مقدمه (طرح مسئله)

خدای متعال انسان را به صورت کامل و زیبا خلق کرد و در خلقت وی به خود تبریک گفت. (قرآن کریم، سوره مؤمنون/۱۴) سپس محیط طبیعی مساعد برای رشد مادی و معنوی او بوجود آورد. زمین، هوا و دریا را که موافق طبیعت و سرشت انسان است خلق کرد و با نظام خلقت بشر هماهنگ ساخت. اما این طبیعت همیشه با انسان سازگار نبوده و در برخی مواقع چهره نامهربان خود را نشان می‌دهد؛ بطوری که در یک چشم به هم‌زدن جان هزاران انسان خرد و بزرگ را می‌ستاند، شهری را نابود می‌کند و خسارات عظیمی را به بار می‌آورد (معینان، علیرضا؛ ص ۴۵۸).

این بلاای طبیعی<sup>۱</sup> متنوع بوده و تاکنون ۴۳ مورد از آنها شناخته شده است. زلزله، آتشفشان، سیل، صاعقه، خشکسالی، سونامی، ریزگردها، بارش شدید برف، سرما، گردباد، آفت محصولات کشاورزی و بیماری‌های فراگیر برخی از این بلاها هستند. از این بلاای طبیعی با توجه به طبیعت جغرافیایی، ۳۴ مورد آن در ایران شناخته شده و به وقوع پیوسته است<sup>۲</sup> (باریکلو، علیرضا؛ ص ۲۷). مادی‌گرایان آن را به علل و اسباب مادی منتسب می‌کنند، ولی در ادیان ابراهیمی، خصوصاً دین اسلام عده‌ای معتقدند که سبب نزول بلاای طبیعی، ارتکاب گناه از سوی مردم بوده و به آیات «فأخذتهم الرجفة» (اعراف/۷۸)، «و أمطرنا عليهم مطراً فنظر كيف كان عاقبت المجرمين» (اعراف/۸۴)، مفهوم مخالف آیه ۶۹ سوره اعراف در اینکه اگر مردم تقوا داشته باشند و ایمان آورند درهای آسمان و زمین به روی آنها باز می‌شود ولی آنها چنین کاری را نمی‌کنند و به همین دلیل بلاای طبیعی و غیر آن برای آنها نازل می‌شود، استناد می‌کنند (آهنگران و حسینی‌پور، محمدرسول و سیدمحمد؛ ص ۴۵).

در هر صورت حدوث بلاای طبیعی اعم از آنکه قابل پیش‌بینی باشد یا خیر؛ امری حتمی است. این بلاها عموماً با زیان‌های هنگفت نسبت به مردم همراه است و گاهی تمام مایملک یک فرد، روستا و یا یک شهر را تخریب و از بین می‌برد.<sup>۳</sup> سؤال این است که چه شخصی باید این خسارت را تحمل کند؟ به این سؤال در طی قرون سه گونه پاسخ داده شده است: ۱- زیان‌دیده باید خود خسارت را تحمل کند. ۲- دولت حاکم، که رفاه افراد جامعه از وظایف و تعهدات اوست، باید به قدر تمکن مالی، خسارت وارده را جبران کند. ۳- مسئولیت جمعی،<sup>۴</sup> مردم باید با بیمه اجباری جان و اموال خود در مقابل بلاای طبیعی، از این صنعت نوین و کارآمد استفاده کنند و خسارت وارده را از طریق بیمه (به عنوان مؤثرترین ابزار جبران خسارت) جبران کنند. (بابایی، ایرج؛ ص ۷۳) به

<sup>۱</sup> - Natural Disasters

<sup>۲</sup> - ایران در رتبه چهارم حوادث و بلاای طبیعی جهان قرار دارد و چه خوب شاعری گفته است که: گر به ایران نرود طایر اندیشه رواست که در آنجا اثر قهر طبیعت پیداست.

<sup>۳</sup> - بنابر برخی آمارها در طول ۲۷ سال گذشته، حدود ۳/۶ میلیون نفر در جهان بر اثر حوادث طبیعی جان باخته‌اند و حدود ۲۴۰ میلیارد دلار خسارت وارد شده است.

<sup>۴</sup> - Collective responsibility

عبارت دیگر به سوی مسئولیت جمعی در قبال خسارت وارده از بلایای طبیعی گام نهمیم. با تصویب قانون تأسیس صندوق بیمه همگانی حوادث طبیعی مصوب ۱۳۹۹/۸/۵ قانونگذار ایران به این نظریه تمایل پیدا کرده است که ما به بررسی آن می‌پردازیم:

## ۱- مسئولیت شخصی زیان‌دیده

طبق قواعد سنتی مسئولیت مدنی، باید فعل زیانباری به وقوع بپیوندد و در اثر آن خسارتی به اشخاص وارد شود و بین آن فعل زیانبار و زیان وارده رابطه سببیت وجود داشته باشد تا بتوان حکم به مسئولیت مدنی شخص صادر کرد (صفایی و رحیم‌زاده، سیدحسین و حبیب‌الله؛ ص ۹۶). در بلایای طبیعی فعل زیانبار از قهر طبیعت<sup>۱</sup> صادر می‌شود و نمی‌توان آن را به کسی منتسب کرد، زیرا بر اساس نظریه‌های رایج در مسئولیت مدنی (نظریه تقصیر، خطر و تضمین حق) در هنگام وقوع خسارت باید یک عامل انسانی زیان‌رسان وجود داشته باشد و بین فعل عامل زیان با ورود خسارت رابطه سببیت برقرار شود و خارج از آن مسئولیت مدنی مستقر نمی‌شود (بهرامی‌احمدی و فهیمی، حمید و عزیزالله؛ ص ۱۳۲). مطابق این نظریه چون فعل زیانباری از سوی کسی صادر نشده و قابل انتساب به شخصی خاص نمی‌باشد؛ نمی‌توان کسی را به جبران آن ملزم نمود. اینگونه زیان‌ها در اثر خطر زندگی بشر در طبیعت و تعامل انسان با حوادث طبیعی به وجود آمده است. (بابایی، ایرج، ۱۳۹۷، ص ۳۹) در نتیجه شخص زیان‌دیده خود شخصاً باید خسارت را متحمل شود.

این نظریه مورد انتقاد است، زیرا زیان دیده‌ای را که با قهر طبیعت مواجه شده و اموال خود را بدون این که تقصیری کرده باشد از دست داده، بی‌پناه می‌گذارد و از بعد اخلاقی و اجتماعی به شدت تقبیح می‌شود؛ چون که شخص زیان‌دیده از روح همبستگی و تعاون جامعه بی‌پشتوانه می‌ماند.

## ۲- مسئولیت مدنی دولت

در رابطه با مسئولیت دولت در قبال بلایای طبیعی، ممکن است این حادثه مطابق نظریه‌های جاری و مورد عمل در مسئولیت مدنی، قابل انتساب به دولت باشد. در این صورت بدون شک، دولت مطابق مبانی نظری مسئولیت مدنی و قواعد عام آن، به سبب تقصیر و خطری که مرتکب شده مسئول پرداخت زیان وارده به زیان‌دیده از بلایای طبیعی می‌باشد (زرگوش، مشتاق؛ ص ۳۰۶). مثلاً دولت در ساخت سدی اصول مهندسی و علمی را رعایت نکرده و در اثر شکستن سد خسارتی به اموال اشخاص مستقر در پایین دست سد وارد شود.

اما هرگاه دولت در ایجاد حادثه طبیعی و یا تشدید اثر آن نقشی نداشته باشد و نتوان بالای طبیعی را به دولت منتسب کرد، چگونگی مسئولیت دولت با مناقشه مواجه است؛ زیرا فعل زیانباری از سوی او صادر نشده و در ایجاد بالای طبیعی نقش‌آفرین نبوده و عوامل مادی طبیعت ترکیب شده و حادثه را آفریده است. از طرف دیگر

<sup>۱</sup> -The wrath of nature

عدم مسئولیت دولت و نظاره‌گری او هم قابل پذیرش نیست؛ زیرا دولت قدرت عمومی مستقر است و نمی‌تواند و نباید در قبال خسارات وارده به شهروندانش بی‌تفاوت باشد. عدالت اجتماعی هم ایجاب می‌کند که خسارات وارده در اثر بلایای طبیعی تنها به بخشی از مردم جامعه تحمیل نشود.

عده‌ای معتقد هستند که دولت متعهد به تضمین حقوق شهروندی مردم است و بارزترین آن، بدون شک تأمین حق زندگی ایمن است که در بلایای طبیعی این حق لطمه دیده‌است و با توجه به تحولات به وجود آمده در فلسفه تشکیل دولت‌ها، باید دست از قواعد قدیمی، کهن و خشک مسئولیت مدنی شست و دولت را در این گونه خسارت‌ها به پای کار آورد (السان، مصطفی، ص ۱۶). صاحبان این عقیده مبنای مسئولیت دولت را با توسل به دو نظریه توجیه می‌کنند:

### الف- نظریه دولت متعارف

مطابق این نظریه دولت‌های متعارف برنامه‌های جامع و کاملی برای مقابله با بلایای طبیعی دارند و بر اساس اوضاع و احوال اقتصادی و فرهنگی و سیاسی کشور تلاش خود را برای پیشگیری از وقوع بلایای طبیعی به کار می‌گیرند و در صورت وقوع بلایای طبیعی سعی در تخفیف آثار آن و جبران خسارت وارده به زیان‌دیدگان را دارند. به این نظریه ایراد کرده‌اند که معیارهای شناخت دولت متعارف نظری بوده و نمی‌توان از آن تعریف دقیقی ارائه کرد. به‌علاوه، در زمان و مکان خاص، امکانات هر کشور بستگی به پیشرفت سیاسی، اقتصادی و حتی فرهنگی کشور دارد و در مقابل بلایای طبیعی، همچون سیل یا زلزله، ممکن است بسته به شرایط هر کشور، واکنش متفاوتی نشان داده شود و نمی‌تواند مبنای حقوقی محکمی برای مسئول شناختن دولت قلمداد شود.

### ب- نظریه دولت مسئول

دولت مسئول را باید پیش قراول تشکیل دولت رفاه دانست؛ زیرا اساس این نظریه این است که چهارچوب و اصول تشکیل حکومت‌ها و به تبع آن‌ها، ساختار دولت‌ها تحول پیدا کرده و این دولت نباید از این تحولات عقب بماند و مطابق آن باید سیاست‌های کلی خود را عرضه کند. دولت در این فرآیند متعهد به حفاظت از جان، مال و حیثیت تمام مردم است و در واقع زندگی افراد تحت پوشش را مقدمه رفاه آنان به حساب می‌آورد و این «حق زندگی» به طور قطع از رفاه آنان بیشتر سزاوار توجه و اهمیت می‌باشد و هرگاه دولت به این حق توجه نکند، مسئولیت مدنی دولت، با تغییر در چهره خود و انطباق با نیازهای روز، رخ نمایان می‌کند و تعهد به پرداخت خسارت ناشی از بلایای طبیعی از سوی دولت و تحمیل آن موجه قلمداد می‌گردد. (السان، مصطفی، ص ۱۱)

بعضی دیگر از حقوق‌دانان برای این که دولت را مسئول پرداخت خسارات ناشی از بلایای طبیعی بدانند، نظریه‌های «مصلحت عمومی»، «تضمین مشروعیت» و «قرارداد بیمه» ارائه کرده‌اند (زرگوش، مشتاق؛ ص ۳۰۷) که در نظریه «مصلحت عمومی» چون وظیفه دولت انجام خدمات عمومی و تضمین دوام این خدمات است و در اثر بلایای طبیعی خدمات عمومی دچار توقف می‌شود، لذا تحمیل مسئولیت مدنی به دولت، به لحاظ توقف خدمات

مزبور است. نظریه «تضمین مشروعیت» بر سه نظریه حقوق طبیعی، قرارداد اجتماعی و برابری فرصت استوار است، چون اساس ایجاد دولت، در مهمترین و بارزترین چهره خود، تعیین حقوق انسان و تضمین آن است، مقبولیت و مشروعیت دولت در گرو احترام و حفظ این حقوق است. در واقع مسئولیت مدنی دولت از الزام در تأمین حقوق تشکیل دهندگان دولت ناشی می‌شود. (pipes, chris, p.16) هرگاه در اثر بلایای طبیعی آحاد جامعه در وضعیتی قرار گیرند که نتوانند حقوق بنیادین خود را اعمال کنند و یا از آن منتفع شوند، دولت تکلیف می‌یابد که زمینه احیا و اعمال این حقوق را فراهم کند. یکی از طرق آن پرداخت خسارت به افراد زیان‌دیده از بلایای طبیعی است که با دریافت آن و سروسامان گرفتن مجدد زندگی، انسان‌ها به حقوق لطمه‌دیده خود دست می‌یابند و می‌توان گفت توانمندسازی افراد زیان‌دیده از بلایای طبیعی نوعی تضمین مشروعیت دولت محسوب است و در نهایت با رجحان نظریه برابری فرصت، که مطابق آن انسان‌ها باید در داشتن حقوق و نیازهای بنیادین، که لازمه حق حیات است، همیشه مساوی باشند. (تونی فیتز پتریک، ص ۵۹) و با تحدید نظریه‌های دیگر، نظریه تضمین مشروعیت (نظریه حقوق طبیعی و قرارداد اجتماعی که گسترده و وسیع است)، و الزام دولت به فراهم کردن حداقل‌ها برای حق حیات، مسئولیت مدنی دولت را در بلایای طبیعی توجیه می‌کند. Rounder, Charles, (P.23)

مسئول قلمدادکردن دولت در بلایای طبیعی، با اتکال به هرکدام از نظریه‌های مزبور، مورد انتقاد است؛ زیرا دولت‌ها در عمل امکانات کمی برای جبران خسارت وارده از بلایای طبیعی در اختیار دارند. بخصوص گاهی خسارت ناشی از بلایای طبیعی چنان گسترده و فراگیر است که دولت منبعی برای جبران آنها ندارد و در نتیجه ضرر ایجاد شده به زیان‌دیده تحمیل می‌شود. چاره کار ایجاد ساختاری جدید است، که تلفیقی از مشارکت مردم و دولت باشد یعنی ضرر بر افراد جامعه و دولت توزیع شود و یک نوع مسئولیت جمعی با ایجاد بیمه همگانی اجباری و کمک‌های دولت تأسیس شود.

### ۳- مسئولیت جمعی (بیمه همگانی)

دیدیم که شخص زیان‌دیده به تنهایی نمی‌تواند خسارت وارده از بلایای طبیعی را تحمل کند، یعنی زیان وارده به او جبران نشده باقی بماند. در یک سیل عظیم یا زلزله ممکن است یک فرد کل دارائی خود را در چشم به هم زدن از دست بدهد. در تفکر و فهم اجتماعی امروزی پذیرفته نیست که او بی‌پناه در جامعه رها شود. دولت هم با توجه به محدودیت بودجه سالانه و حجم وسیع خسارات وارده که ممکن است یک یا چند شهر و حتی استان را در برگیرد، نمی‌تواند از عهده پرداخت خسارت ناشی از بلایای طبیعی به تنهایی برآید. به همین جهت دولت‌ها و قانونگذاران با توجه به تجربه موفق تأسیس بیمه اجباری در دیگر حوزه‌های مسئولیت مدنی، خصوصاً در حوزه بیمه اجباری خودرو، به بیمه همگانی در برابر بلایای طبیعی اقبال کرده‌اند.

اساس بیمه اجباری دارندگان وسایل نقلیه موتوری، ایجاد «سامانه مسئولیت مدنی جمعی» است که بر مبنای آن، ضرر وارده به زیان‌دیده از طریق شرکت‌های بیمه پرداخت می‌شود و ضرر وارده در واقع بین دارندگان خودرو توزیع می‌شود. (برای مطالعه تفصیلی در مورد «سامانه مسئولیت مدنی جمعی» در حوزه خودرو، یعنی نظریه‌پرداز آن، مراجعه شود به: دکتر حسنعلی اورک بختیاری، مبانی و اصول مسئولیت مدنی حوادث خودرو، انتشارات علمی کالج، سنندج، چاپ اول، ۱۳۹۱ ص ۲۰۱). در سایر حوزه‌ها نیز مسئولیت جمعی مطرح شده است.

به عنوان مثال امروزه «مسئولیت جمعی شرکت‌ها»<sup>۱</sup> نیز مطرح شده است. به موجب این نظریه شرکت‌ها در اجتماع دارای نقش هستند و دارای وظایف و تعهداتی هستند که باید برای حفظ، مراقبت و کمک به جامعه‌ای که در آن فعالیت می‌کنند، انجام دهند. این مسئولیت در برابر جامعه، انسان‌ها و محیطی است که در آن فعالیت می‌کنند و فراتر از موضوعات اقتصادی است. شرکت باید «مسئولانه عمل کردن» در قبال جامعه را مورد توجه قرار دهد و این امر از لوازم توسعه پایدار است. (Friedman, ۱۹۷۰/۱۵)

### سوابق تقنینی

درخصوص بلایای طبیعی در سیر قانونگذاری ایران قوانین متعددی به چشم می‌خورد که می‌توان گفت بجز قانون موضوع مقاله حاضر، همگی به پیشگیری، امدادسانی، بازسازی و کاهش آثار بلایای طبیعی و به طور کلی مدیریت بحران پرداخته و در آن، نظام پرداخت خسارت مدونی که قابل مطالبه باشد و مسئولیت مدنی ایجاد کند، پیش‌بینی نشده است. در زیر به اهم آنها اشاره می‌شود:

۱- قانون تشکیل سازمان دفاع غیرنظامی کشور مصوب ۱۳۳۷

۲- قانون تشکیل کمیته ملی کاهش اثرات بلایای طبیعی مصوب ۱۳۷۰

۳- برخی مقررات موجود در قانون‌های برنامه سوم، چهارم، پنجم و ششم توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور

۴- قانون تشکیل سازمان مدیریت بحران کشور مصوب ۱۳۸۷

قابل ذکر است که از سال ۱۳۷۴، بیستم مهرماه هر سال به عنوان روز ملی کاهش بلایای طبیعی و هفته‌ای که بیستم مهرماه در آن قرار دارد به عنوان هفته کاهش بلایای طبیعی اسم‌گذاری شده است.

قانون تأسیس صندوق بیمه همگانی حوادث طبیعی مصوب ۱۳۹۹/۸/۵ با الهام گرفتن از «سامانه مسئولیت مدنی جمعی» که مبنای قانون بیمه اجباری دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی مصوب ۱۳۴۷ و اصلاحات بعدی است، تصویب شده است. ابتدا ساختار صندوق و سپس سرمایه صندوق و مأموریت صندوق و شرایط جبران خسارت و قضاذدایی و تسریع در جبران خسارت را به تفکیک مورد بررسی قرار می‌دهیم:

<sup>۱</sup>- Corporate Social Responsibility

عنوان قانون مصوب مجلس شورای اسلامی «قانون تأسیس صندوق بیمه همگانی حوادث طبیعی» است، اما ماده یک قانون مقرر داشته است: «به منظور جبران بخشی از خسارت‌های مالی ناشی از حوادث طبیعی از جمله زلزله ... کلیه ساختمان‌های مسکونی دارای انشعاب قانونی برق ... نزد صندوق بیمه حوادث طبیعی ساختمان که در این قانون صندوق نامیده می‌شود قرار می‌گیرند.»

همانطور که ملاحظه می‌شود عنوان قانون، عنوانی عام است، یعنی تأسیس صندوق بیمه همگانی حوادث طبیعی را مقرر کرده است، ولی در ماده ۱ فوراً از این عنوان عام عدول کرده و نام صندوق را به «صندوق بیمه حوادث طبیعی ساختمان» تخصیص داده است. این تغییر فوری در نام صندوق قابل انتقاد است. چون عنوان عام صندوق شامل ساختمان‌های مسکونی و غیرمسکونی و خسارت بدنی و اموال منقول و غیرمنقول می‌شود، لذا محدود کردن آن به یک جزء کوچک از موضوعات مورد خسارت و حذف عنوان کلی که قانون بر مدار آن تصویب شده است، قابل انتقاد می‌باشد.

صندوق، موسسه عمومی غیردولتی و دارای شخصیت حقوقی مستقل است (ماده ۹ قانون). صندوق دارای سه رکن است: ۱- هیئت امنا ۲- هیئت عامل ۳- بازرس قانونی و حسابرس

#### ۱- هیئت امنای صندوق

مطابق بند الف ماده ۱۰ قانون مزبور، هیئت امنای صندوق با حضور وزیر امور اقتصادی و دارایی (به عنوان رئیس هیئت امنا) و وزیر کشور؛ راه و شهرسازی؛ تعاون، کار و رفاه اجتماعی؛ بهداشت، درمان و آموزش پزشکی؛ یکی از نمایندگان عضو کمیسیون اقتصادی به انتخاب مجلس شورای اسلامی (به عنوان ناظر)؛ رئیس سازمان برنامه و بودجه کشور؛ رئیس کل بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران؛ رئیس سازمان مدیریت بحران کشور و رئیس بنیاد مسکن انقلاب اسلامی تشکیل می‌شود. رئیس شورای عالی استان بدون حق رأی در جلسات هیئت امنای صندوق شرکت خواهد کرد. همانطور که ملاحظه می‌شود در ساختار هیئت امنای صندوق جای مسئولان اجرایی استان‌ها خالی است. در صورتی که اجرای قانون در محل حادثه و برآورد خسارت‌های ناشی از بلایای طبیعی توسط مسئولین استانی انجام می‌شود. عضویت مسئولین استانی بخصوص استاندار در این هیئت امنا ضروری است.

#### ۲- هیئت عامل صندوق

هیئت عامل صندوق متشکل از رئیس هیئت عامل و چهار عضو به عنوان معاونان رئیس می‌باشد. رئیس هیئت عامل با پیشنهاد رئیس کل بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران و تأیید هیئت امنای صندوق تعیین و با حکم وزیر امور اقتصادی و دارایی منصوب می‌شود. معاونان رئیس با پیشنهاد رئیس هیئت عامل صندوق و تأیید هیئت امنا تعیین و با حکم وزیر امور اقتصادی و دارایی منصوب می‌شوند. مدت تصدی اعضای هیئت عامل چهار سال



است و انتخاب مجدد آنها بلامانع می‌باشد. همانطور که ملاحظه می‌شود در ترکیب هیئت عامل صندوق اشاره‌ای به مسئولین اجرایی استانی نشده است که این امر قطعاً در عملکرد هیئت عامل موثر خواهد بود، زیرا این مسئولین استانی هستند که باید تصمیمات هیئت عامل را اجرا کنند. عضویت آن‌ها در شناسایی وقوع حادثه و جلوگیری از تشدید آثار آن و برآورد خسارت‌ها و افراد تحت شمول و تسریع در پرداخت خسارت به آن‌ها بسیار مؤثر خواهد بود.

در قانون هیچ شرط یا ویژگی خاصی برای اعضای هیئت عامل صندوق بیان نشده است. با توجه به مأموریت سنگین و ملی بودن وظیفه آنها، به نظر می‌رسد که آن‌ها باید از میان کسانی که دارای مدرک تحصیلی و تجربه در امور بیمه‌ای، مالی، مدیریت و اقتصاد باشند، انتخاب شوند؛ به نظر می‌رسد بهتر بود قانون‌گذار به این امر اشاره می‌کرد.

### ۳- بازرس قانونی و حسابرس صندوق

بازرس قانونی و حسابرس صندوق از بین اعضای سازمان حسابرسی و مؤسسات عضو جامعه حسابداران رسمی توسط هیئت امانت‌داری انتخاب می‌شوند. به درستی معلوم نیست که آیا بازرس قانونی و حسابرس صندوق یک نفر می‌باشد و یا اینکه بازرس قانونی و حسابرس صندوق دو نفر. به نظر می‌رسد که با توجه به اینکه از بین اعضای دو سازمان و مؤسسه انتخاب می‌شوند و مأموریت هر یک با دیگری متفاوت است، اینها دو نفر باشند، یعنی یک نفر بازرس و یک نفر حسابرس. نکته مهم در انتخاب بازرس و حسابرس این است که انتخاب آن‌ها از سوی هیئت امانت‌داری به عمل می‌آید نه هیئت عامل که در واقع چشمان نظارتی هیئت امانت‌داری در صندوق می‌باشد.

### ب- مأموریت صندوق

مأموریت «صندوق بیمه حوادث طبیعی ساختمان» حمایت از زیان‌دیدگانی است که در اثر حوادث طبیعی مثل سیل، زلزله، طوفان و غیره؛ ساختمان مسکونی آن‌ها دچار خسارت شده و این ساختمان باید تحت پوشش بیمه صندوق باشد و این برخلاف مأموریت صندوق تأمین خسارت‌های بدنی مزبور در ماده ۱۰ قانون بیمه اجباری دارندگان وسایل نقلیه موتوری است، زیرا در آن ماده شرط حمایت از زیان‌دیده این است که راننده و یا به تعبیر دقیق‌تر خودرو دارای بیمه‌نامه معتبر نباشد و به تعبیر بعضی از حقوقدانان، دولت در اینجا به مسئولیت خود از بابت «تأمین اجتماعی» شهروندان عمل می‌کند (اورک بختیاری، حسنعلی، ص ۳۲۰).

### ج- شرایط پرداخت خسارت از سوی صندوق

جبران خسارت از سوی صندوق هنگامی صورت می‌گیرد که: ۱- خسارت وارده ناشی از حوادث طبیعی باشد، ۲- خسارت وارده به ساختمان مسکونی باشد، ۳- ساختمان مسکونی تحت پوشش بیمه اجباری پایه حوادث طبیعی ساختمان باشد که در زیر به توضیح درباره آنها می‌پردازیم:

## ۱- خسارت وارده ناشی از حوادث طبیعی باشد.

زیان‌دیده تنها وقتی می‌تواند به صندوق مراجعه کند که خسارت وارده بر ساختمان مسکونی او ناشی از حوادث طبیعی باشد. در قانون مزبور حوادث طبیعی تعریف نشده‌است، اما به مهم‌ترین آن‌ها یعنی زلزله، سیل، طوفان و صاعقه ... اشاره شده‌است. با ذکر عبارت «از جمله ...»، قانون‌گذار نشان داده که مصادیق تمثیلی است و هرآنچه عرفاً حادثه طبیعی تلقی شود را تحت شمول قانون قرار داده است. در قانون به مرجعی که حادثه را تحت شمول حادثه طبیعی قرار دهد اشاره‌ای نشده است، اما از روح قانون به دست می‌آید که مرجع تعیین آن، همان هیئت عامل مزبور در ماده ۱۰ قانون است.

## ۲- خسارت وارده به ساختمان مسکونی باشد.

مطابق ماده یک قانون، زیان‌دیده از حادثه طبیعی تنها در صورتی می‌تواند به «صندوق بیمه حوادث طبیعی ساختمان» مراجعه کند که به ساختمان مسکونی او خسارت وارد شده باشد. قانون‌گذار تمام خسارت وارده به زیان‌دیده را قابل جبران ندانسته و در صدر ماده اشاره کرده که: «به منظور جبران بخشی از خسارت‌های مالی ...».

به شرح ذیل ایرادات وارده به آن بیان می‌شود:

اولاً: خسارت‌های بدنی تحت شمول قرار نگرفته‌است و این در حالی است که در حوادث طبیعی، بدون شک خسارت‌های بدنی به فراوانی به وقوع می‌پیوندد. خروج اینگونه خسارت‌ها از بیمه همگانی صندوق، فاقد پشتوانه منطقی است، خصوصاً اینکه اهمیت جان و بدن انسان از مال بیشتر است. ثانیاً: به «جبران بخشی از خسارت‌های مالی ...» اشاره شده است که میزان آن مشخص نیست. این در صورتی است که بیمه‌گذار بیمه خود را -طبق فرض قانون- پرداخت کرده است. ثالثاً: محدودکردن پرداخت خسارت تنها به ساختمان‌های مسکونی و تحت شرایطی - مطابق تبصره ۲ ماده یک قانون- به ساختمان‌های غیرمسکونی قابل انتقاد است؛ زیرا کلیه ساختمان‌های آسیب‌دیده از حوادث طبیعی ممکن است دارای انشعاب برق نباشند. (مثلاً در روستاهای دورافتاده و محروم که بیشتر شایسته دریافت خسارت هستند و یا اینکه ساختمان تازه احداث شده و انشعاب برق دریافت نکرده باشد) بعلاوه، اموال منقول و خسارت وارده به محصولات کشاورزی و باغات و غیره از گردونه دریافت خسارت خارج شده‌اند که به شدت مورد انتقاد است؛ زیرا اگر بر فرض، صاعقه به یک چوپان روستایی در کوه و بیابان، برخورد کند و او و حیواناتش را از بین ببرد این قانون هیچ حمایتی از او نمی‌کند. به علاوه گاهی خسارتی که به اموال منقول افراد در حوادث طبیعی وارد می‌شود، بسیار بیشتر از خسارت وارده به ساختمانی است که در آن سکونت دارند. فرض کنید که یک مغازه با بنای قدیمی و هرآنچه در آن است با سیل یا زلزله از بین برود یا قایق ماهیگیری دچار طوفان شود، معلوم نیست چرا این گونه موارد تحت شمول قانون قرار نگرفته است. شاید تمام دارایی آن اشخاص همین قایق یا آن گوسفندان باشد و نان‌آور خانواده هم با آن از بین رفته باشد.

چنانچه دولت راساً نسبت به پرداخت خسارت اقدام می‌کند، پرداخت بخشی از خسارت و آن هم خسارت مالی شاید به تعبیر بعضی از حقوقدانان، مبنی بر اینکه مسئولیت مدنی به معنی خاص تحقق پیدا نکرده و کمک‌های دولت جنبه ترمیمی دارد و در واقع مسئولیت دولت، مسئولیت مالی است نه مسئولیت مدنی، قابل توجیه بود (زرگوش، مشتاق، ص ۳۰۵)، اما خروج اکثر موضوعات از شمول قانون -به تعبیر اصولیین تخصیص اکثر- از قانون‌گذار قبیح است.

چاره کار آن است که در اصلاحات بعدی موضوعات جدید از جمله اموال منقول و غیرمنقول، خسارت‌های بدنی، محصولات کشاورزی و باغات تحت شمول بیمه همگانی حوادث طبیعی قرار گیرند و از اصناف مربوطه حق بیمه اجباری دریافت شود و عنوان صندوق با عنوان قانون هماهنگ شود. سامانه مسئولیت مدنی جمعی اقتضا دارد که با توزیع زیان در جامعه و نیز با مشارکت دولت، از افراد خسارت‌دیده حمایت شود. به این ترتیب، آحاد جامعه در بلایای طبیعی همبستگی اجتماعی خود را حفظ می‌کنند و این امر با دستور قانون اجباری شود.

### ۳- ساختمان مسکونی تحت پوشش بیمه پایه حوادث طبیعی ساختمان باشد.

منبع مالی اولیه صندوق مطابق تبصره ماده ۳ قانون از سوی دولت فقط برای سال اول که تأسیس می‌شود تأمین و در سال‌های بعد از مالکان ساختمان‌های مسکونی دارای انشعاب برق به صورت بیمه اجباری و کمک‌های مردمی و خارجی تأمین می‌شود. همانطور که گفته شد، خارج کردن دیگر اموال غیرمنقول مثل کارخانجات، هتل‌ها، اماکن تجاری و اصنافی همچون کارمندان، کارگران، مشاغل آزاد و غیره از شمول صندوق و عدم تغذیه صندوق از حق بیمه دریافتی از آنها برای جبران خسارت قابل انتقاد است، زیرا با گسترش موضوعات تحت پوشش بیمه حوادث طبیعی و فراوانی اصناف جدید با غنای منبع مالی صندوق، قطعاً بهتر و بیشتر می‌توان در حوادث طبیعی به حمایت از زیان‌دیدگان پرداخت؛ بویژه اینکه مطابق تبصره ماده ۴ قانون، سهم دولت برای مشارکت در پرداخت حق بیمه به صندوق در ظرف ۱۰ سال به ۱۰ درصد می‌رسد، لذا اصناف جدید تحت پوشش، هم برای این که خسارت وارده به آنها بدون جبران نماند و هم برای این که منبع مالی جدیدی به صندوق اضافه شود، باید در اصلاحات بعدی قانون مدنظر قرار گیرد.

### د- تسریع در پرداخت و قضازدایی

یکی از مشکلات دائمی زیاندیدگان، همیشه این بوده که خسارت وارده به آنها در زمان مطلوب پرداخت نمی‌شود و چنانچه موضوع به مراجع قضایی کشیده شود، فرایند رسیدگی ممکن است به قدری طولانی شود که زخم ناشی از حادثه طبیعی را مداوا نکند. در حوادث طبیعی، برخلاف بسیاری از ضرر و زیان‌های وارده، جبران خسارت در همان ساعات و یا روزهای اولیه بسیار مهم است. خوشبختانه یکی از نقاط مثبت قانون این است که صندوق را موظف کرده که حداکثر ظرف مدت دو هفته (۱۴ روز) پس از وقوع حادثه، به تعهدات خود عمل کند.

متأسفانه نحوه برآورد خسارت و چگونگی اعتراض و مرجع و ضمانت اجرای آن مشخص نشده است. اصلاح قانون در این مورد نیز ضروری است.

نکته آخر اینکه در سامانه مسئولیت مدنی جمعی در بلایای طبیعی، مردم با بیمه اموال (اعم از منقول و غیرمنقول) و جان خود، از خود، در برابر احتمال وقوع حوادث طبیعی، «خود مراقبتی» نموده و از طرف دیگر چنانچه برای دیگر شهروندان حادثه رخ دهد، قطره قطره حق بیمه‌های اجباری که در صندوق جمع شده به یاری خسارت‌دیدگان هم‌نوع و آسیب دیده می‌شتابد. در نتیجه حس تعاون و همبستگی تقویت و نوع‌دوستی گسترش می‌یابد. از طرف دیگر «دولت» هم با مشارکت در تأمین قسمتی از منابع مالی صندوق، به وظیفه تأمین امنیت اجتماعی مردم که حسب قرارداد اجتماعی، به او سپرده شده عمل می‌کند و خسارت‌دیدگان همبستگی اجتماعی مردم و دولت را هم‌زمان خواهند دید.

### تعدد اسباب در بلایای طبیعی

هرگاه خسارت ناشی از بلایای طبیعی در ساختمان مسکونی دارای انشعاب قانونی برق پدید آید و بیمه پایه آن هم پرداخت شده باشد، جبران خسارت از صندوق بیمه حوادث طبیعی ساختمان با مشکلی مواجه نمی‌شود، اما هرگاه بلایای طبیعی با فعل شخص ثالث اعم از حقیقی یا حقوقی تداخل نموده و خسارتی به بار آورد، در قانون تأسیس صندوق بیمه همگانی حوادث طبیعی، حکمی در مورد آن بیان نشده است. سکوت قانون‌گذار را در تداخل اسباب در بلایای طبیعی و ورود خسارت به این نحو می‌توان تفسیر کرد که قانون‌گذار تعمداً سکوت کرده و در صورت تداخل اسباب، وقوع بلایای طبیعی زیانبار را، صرف‌نظر از دخالت اسباب دیگر، منشاء خسارت شمرده و زیان را قابل جبران از طریق صندوق دانسته است، زیرا وجه غالب این است که عامل مشارکت‌کننده با حادثه طبیعی توانایی جبران خسارت هنگفت و عظیمی را که به وجود آمده ندارد و از زیان‌دیده جبران خسارت نمی‌شود. در اصلاحات بعدی قانون، لازم است مثل قانون بیمه اجباری وسایل نقلیه موتوری مصوب ۱۳۹۵، تکلیف تداخل اسباب و بلایای طبیعی و شخص ثالث روشن شود. در آن قانون هم بعضی از حقوق‌دانان عقیده داشتند که با وجود قوه قاهره، مسئولیت مدنی دارنده خودرو و به تبع او شرکت بیمه‌گر از مسئولیت **محافظت** می‌باشد (خدابخشی، عبدالله؛ ص ۱۹۴-۱۹۷).

هر چند اساسنامه قانون تأسیس صندوق بیمه همگانی حوادث طبیعی، تصویب نشده است، اما قطعاً اساسنامه باید در راستای قانون و در محدوده آن تهیه و تنظیم و تصویب شود و نمی‌تواند به قانون حکم جدیدی اضافه کند. قانون مزبور، نوعی ابتکار در قانون‌گذاری است، اما باید در اصلاحات جدید نقایصی که به آن اشاره شد، رفع و از تجربه تقنینی دیگر کشورها در حد مقدرات مردم و دولت ایران استفاده شود و پرداخت خسارت به زیان‌دیدگان از چهره اخلاقی و اجتماعی صرف تغییر ماهیت داده و به مسئولیت مدنی نوین با چهره «سامانه مسئولیت مدنی

جمعی» تبدیل و وجهه حقوقی آن برجسته و نمایان شود و به صورت حق قابل مطالبه درآمد تا شهروندان احساس کنند که صندوق با پشتوانه نسبتاً قوی مالی که از مردم و دولت تغذیه می‌شود، پشتیبانی می‌شوند.

### نتیجه‌گیری:

۱- تصویب این قانون یک گام به جلو و ضروری بوده است، هرچند با تأخیر تصویب شده و انتظار این بوده که قانونی جامع و کامل و پیشرفته باشد، ولی دارای نقایصی اساسی است که باید اصلاح و تکمیل شود.

۲- عنوان قانون، «قانون تأسیس صندوق بیمه همگانی حوادث طبیعی» است که عنوانی مناسب و عام است. عبارت «بیمه همگانی» شامل همه اشخاص می‌شود، اما در ماده یک قانون، صندوق را به «صندوق بیمه حوادث طبیعی ساختمان» محدود کرده است که در واقع نوعی تضییق حدود محسوب می‌شود. به نظر می‌رسد در اصلاحیه باید ترتیبی اتخاذ شود که صندوقی سازگار با عنوان خود قانون یعنی «صندوق بیمه همگانی حوادث طبیعی» تأسیس شود تا همه مصادیق خسارت ناشی از حوادث طبیعی را در برگیرد.

۳- ماده یک قانون صراحتاً به «خسارت‌های مالی» اشاره کرده و هیچ اشاره‌ای به خسارت‌های بدنی نشده است. ورود خسارت بدنی در بلایای طبیعی به وقوع می‌پیوندد و اصلاح قانون در مورد خسارت‌های بدنی ضروری است.

۴- در ماده یک قانون اشاره شده است به «جبران بخشی از خسارت‌های مالی». اصلاح قانون در این مورد هم ضرورت دارد؛ زیرا با توجه به نوع و حجم خسارت مالی وارده باید جبران کل یا بخشی از خسارت را به مجریان محول می‌کرد که حسب اقتضای منابع پرداخت شود. جبران بخشی از خسارت دارای ابهام است.

۵- در این قانون «ساختمان‌های مسکونی دارای انشعاب قانونی برق» تحت پوشش می‌باشند. ملاک تحت پوشش بودن بیمه این قانون، «ورود خسارت» است. ساختمان‌های تجاری، کارخانه‌ها، هتل‌ها و غیره معلوم نیست چرا از شمول قانون خارج شده‌اند.

۶- واحدهای مسکونی «دارای انشعاب قانونی برق» تحت شمول قرار گرفته‌اند. این در حالی است که در کشور ایران چون حاشیه نشینی در اطراف شهرها زیاد است و روستاهایی هم وجود دارند که هنوز دارای انشعاب قانونی برق نیستند، لذا این قید هم در قانون حذف شود که افراد بیشتری را شامل شود.

۷- در این قانون پرداخت خسارت از طریق صندوق مختص مناطقی است که احتمال وقوع حوادث طبیعی در آن مناطق می‌رود. چون بلایای طبیعی غیرقابل پیش‌بینی می‌باشند و یکی از ویژگی‌های اساسی آن است (البته در اغلب اوقات، چون در بعضی مواقع قابل پیش‌بینی هم می‌باشد)، این قید بدون هیچگونه شک و تردیدی باید حذف شود و پرداخت خسارت از صندوق به تمام مناطقی که دچار این حوادث می‌شوند گسترش یابد.

۸- در این قانون در مورد خسارت وارده به اموال منقول ذکری به میان نیامده است، در حالی که در بلایای طبیعی ورود خسارت به اموال منقول حتمی است و حتی حجم آن ممکن است بسیار بیشتر از اموال غیرمنقول باشد. توسعه آن به اموال منقول و خسارات جانی ضروری است.

۹- منبع مالی صندوق به اخذ حق بیمه از «ساختمان‌های مسکونی دارای انشعاب قانونی برق» توسط بیمه‌گذاران محدود شده است، در حالی که از خیل عظیم دیگر منابع غفلت شده است، از قبیل کارخانه‌داران، اماکن تجاری، کارمندان، کارفرمایان و غیره. هرگاه اقشار جدید به منابع پرداخت حق بیمه و در نتیجه غنی‌سازی منبع مالی صندوق، افزوده شود، به یقین بهتر می‌توان از پرداخت خسارت وارده برآمد و افراد بیشتری هم تحت پوشش قرار می‌گیرند.

۱۰- در قانون هیچ شرطی برای اعضا هیئت عامل صندوق پیش‌بینی نشده است. به لحاظ اهمیت صندوق و جنبه ملی عملکرد آنها و نیز ضرورت تخصص آنها در امور بیمه‌گری، مالی و مدیریتی لازم است افراد واجد شرایط توسط قانون تعریف شوند.

۱۱- در قانون ساختار استانی برای احراز وقوع حادثه و برآورد خسارت و تسریع در برآورد خسارت و همچنین پرداخت فوری خسارت در استان پیش‌بینی نشده است درگیر کردن مسئولین اجرایی به صورت الزام قانونی از ضروریات اصلاحات بعدی این قانون است.

۱۲- مواد ۴ و ۶ این قانون در خصوص دریافت حق بیمه پایه از مالکین واحدهای مسکونی و واریز آن به صندوق تعارض دارد. در ماده چهار مقرر داشته که حق بیمه پایه از طریق درج در قبوض برق واحدهای مسکونی از مالکین دریافت و به حساب خزانه‌داری کل کشور واریز می‌شود و خزانه‌داری کل کشور موظف است ظرف مدت یک هفته پس از وصول، مبالغ مذکور را به صندوق واریز کند، اما ماده ۶ قانون مقرر داشته و جوه دریافتی توسط وزارت نیرو و شرکت‌های توزیع برق بابت حق بیمه پایه به حساب خزانه‌داری کل واریز و معادل آن با تصویب در قوانین بودجه سنواتی به صندوق واریز شود. معلوم نیست قانونگذار چگونه در یک قانون دو متن متعارض تصویب کرده است. پیشنهاد می‌شود به لحاظ ضرورت تسریع در جبران خسارت زیان‌دیدگان بلایای طبیعی، در اصلاحات بعدی، متن ماده ۴ قانون ابقاء شود و ماده ۶ طوری تنظیم شود که با ماده مذکور سازگار باشد و نیازی به تصویب در قوانین بودجه سنواتی کل کشور نباشد.

۱۳- در قانون مذکور به بحث تداخل اسباب یعنی وقوع حادثه در اثر اسباب متعدد -عامل طبیعت و فعل اشخاص ثالث یا شخص زیان‌دیده- اشاره‌ای نشده است. لذا در اصلاحات بعدی باید به این امر مهم توجه شود.

- ۱- آهنگران و حسینی پور، محمدرسول و سیدمحمد، تبیین رابطه سببی میان معصیت الهی و بلایای طبیعی، فصلنامه علمی پژوهش‌های اعتقادی کلامی، سال دهم، شماره ۳۸.
  - ۲- السان، مصطفی، نظریه مسئولیت مدنی دولت در قبال حوادث طبیعی، پژوهشنامه حقوق اسلامی، سال دهم، شماره ۲۴، بهار و تابستان ۱۳۸۷.
  - ۳- اورک بختیاری، حسنعلی، مبانی و اصول مسئولیت مدنی حوادث خودرو، انتشارات علمی کالج، سندج، چاپ اول، ۱۳۹۱.
  - ۴- بابایی، ایرج، مسئولیت مدنی و بیمه، نشریه پژوهش حقوق عمومی، بهار و تابستان ۱۳۸۰، شماره ۴.
  - ۵- بابایی، ایرج، حقوق مسئولیت مدنی و الزامات خارج از قرارداد، ۱۳۹۷، انتشارات میزان، چاپ دوم.
  - ۶- بهرامی احمدی و فهیمی، حمید و عزیزالله، مبنای مسئولیت مدنی زیست محیطی در فقه و حقوق ایران، نشریه پژوهشنامه حقوق اسلامی، پاییز و زمستان ۱۳۸۶، شماره ۲۶.
  - ۷- تونی فیتز پتریک، نظریه رفاه، ترجمه هرمز همایون پور، تهران ۱۳۸۱، انتشارات گام نو، چاپ دوم.
  - ۸- زرگوش، مشتاق، مسئولیت مدنی دولت در بلایای طبیعی، فصلنامه پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۳.
  - ۹- خدابخشی، عبدالله، بیمه و حقوق مسئولیت مدنی، انتشارات مجد، چاپ دوم، تهران ۱۳۹۶.
  - ۱۰- صفایی و رحیمی، سیدحسین و حبیب‌الله، مسئولیت مدنی، انتشارات سمت، تهران ۱۳۹۴.
  - ۱۱- باریکلو، علیرضا، مسئولیت مدنی، نشر میزان، تهران، ۱۳۹۹.
  - ۱۲- معینیان، علیرضا و غیره، بررسی بلایای طبیعی از نگاه حقوق بین‌الملل، مطالعه موردی ایران، فصلنامه علمی پژوهشی نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، سال دوازدهم، شماره اول، زمستان ۱۳۹۸.
- 13- Rounder, Charles. E. (2000), You Have No Legal Right to social security, USA, consumers Research Magazine
- 14- Pipes, chris. (2001), Police Pursuits and civil liability, USA, FBI Law Enforcement Bulletin, P.16
- Friedman, Milton (1970-09-13). "The Social Responsibility of Business is to ۱۵-Increase its Profits". *The New York Times Magazine*. Archived from the original on 2008-03-12. Retrieved 2008-03-07.